

است. (۵)

بنابراین، اولین امتیاز شهریار بر دیگران آن است که آبشخور اندیشه‌ها و نظام اعتقادی او قرآن و معارف اسلامی است. که این سعادت به خاطر انس و الفت با قرآن نصیب او شده است.

۲ - آراستگی به فضیلت‌های انسانی

از دیگر ویژگی‌های استاد شهریار آراستگی او به کمالات انسانی و فضایل اخلاقی است؛ وفاداری، جوانمردی، خون گرمی، گذشت، فداکاری و صفا و صمیمیت و... فرزند استاد در این باره می‌گوید: ...بلندی طبع و بخشندگی پدرم صفاتی بود که از پدرش به ارث برده بود... [وقتی برادرش فوت کرد] سرپرستی چهار فرزند او را به عهده گرفته است و مانند یک پدر دلسوز از آنان مواظبت کرده بعد از این که پدرم مرادش را از دست داده، تنها خیاطی که در تهران داشته با وسائش به بچه‌های برادرش بخشیده و تنها با یک جامه دان لباس هایش به تبریز می‌آید... علت ازدواج نکردنش تا سن ۴۸ سالگی مسئولیتی بوده که در مقابل بچه‌های برادرش داشته، چنانکه می‌گوید: «پار و همسر نگرفتم که گرو بود سرم»...

او هیچ کینه توز نبود مادیات برایش هیچ ارزشی نداشت... پدرم بسیار پاکدل و ساده بود. اگر کسی به کمک نیاز داشت، تا آنجا که برایش مقدور بود از کمک به او دریغ نداشت... در موقع عصبانیت و موقعی که خلاقی از بچه‌ها سر می‌زد، سعی می‌کرد حتی المقدور عصبانیتش را فرو نثاند و یا اگر عصبانی می‌شد به فاصله خیلی کم دوباره در قالب یک پدر مهربان در می‌آمد، با محبت بیش از اندازه جبران عصبانیتش را می‌کرد. (۶)

استاد شهریار نسبت به دوستان و آشنایان بسیار وفادار بود در فرصت‌های مختلف یادی از آنها می‌کرد و به دیدارشان می‌شتافت و هر گاه به یاد عزیزی در گذشته می‌افتاد، عوفط و احساساتش را به طرز بسیار عجیبی تحریک می‌شد و اشک از چشمانش جاری می‌شد که حاضران از دیدن این صحنه بسیار متأثر می‌شدند.

در اظهار نظرها، فرد بسیار منصفی بود. بدون مهابا حقیقت را بیان می‌کرد ولو دیگران نپسندند. در یک مورد وقتی نظر او را درباره اشعار و مقام شعری خانم پروین

اختصار در این مجال به چند مورد اشاره می‌گردد:

۱ - آشنایی و انس با معارف اسلامی:

از آنجایی که استاد شهریار از همان دوران کودکی با قرآن و معارف ناب اسلامی آشنا شده بود، روح و جسم او با احکام و ارزش‌های اصیل اسلامی عجین شده بود و در نتیجه، شعر او و نیز در اعماق جان‌ها نفوذ می‌کرد و تک تک اشعار گرانمایه استاد همچون جامی خوش گوار جرعه‌های عشق و معرفت را به کام تشنه عاشقان می‌ریزد. استاد شهریار در این باره می‌گوید: من شانس ادبی که آورده‌ام، مدیون این هستم که در ده بدم شش سال داشتم، الفبا را خوانده بودم می‌توانستم عبارات را بخوانم ولی معانی آنها را نمی‌دانستم. در اطاق عمه‌ام که ما زندگی می‌کردیم یک طاقچه بود و در آن طاقچه دو کتاب بود؛ یکی قرآن مجید و دیگری دیوان حافظ. من می‌رفتم این کتاب‌ها را باز می‌کردم و می‌آمدم، یک دفعه آیات قرآن را می‌خواندم و یک دفعه حافظ را. از اول مغزم پر شد با این کلمات موزیکال آسمانی قرآن مجید و اشعار حافظ به طوری که وقتی بزرگتر شدم شعرهای دیگر و هر چیز دیگری را که می‌شنیدم می‌دیدم به نظرم سبک می‌آمد. عمده شانس من این است که از اول با قرآن و حافظ شروع شد. (۳)

مقام معظم رهبری نیز در اشاره به الفت استاد با قرآن و امر معنوی می‌گویند: شهریار در دوران مهمی از زندگی اش... یک دوران عرفانی و معنوی بسیار زیبایی را گذرانده و به انس با قرآن و معنویت و خود سازی پرداخت. به خودش پرداخت و سعی کرد باطن و معنویت خود را صفایی ببخشد... (۴)

مرحوم مهرداد اوستا هم در اشاره به علت نفوذ شعر شهریار در دل‌ها و شهره آفاق شدن او می‌نویسد: می‌توان با جرأت گفت که این شهرت عالم گیر را علاوه بر قبول طبع و لطف سخن، عاملی الهی نیز درکار است که از نظر گزارنده این مقامه سرچشمه آن را می‌باید در ایمان شاعر یافت. شاعر مداومتی بسیار در قرآن کریم، که منشأ فیض‌های بی‌کرانه و کرامات بی‌حصر و حد است داشته و همین کتاب [قرآن] که آبشخور طبع همه حکماء و عرفا بوده است و از این پس تا دامن قیامت هم خواهد بود، تازگی و جزالتی به سخن استاد شهریار داده است که وی را از امثال و اقربان ممتاز ساخته

۲۸ شهریور سالروز عروج یکی از بزرگترین شاعران متعهد ایران اسلامی است؛ شاعری که دوست و دشمن به توانمندی و تبخیر او در عرصه شعر و شاعری اعتراف دارند. در سال ۱۳۱۰ شمسی وقتی نخستین دفتر شعر او به چاپ رسید، ملک الشعرای بهار، که خود ادیب بزرگ و شاعر زیر دستی بود، در اشاره به مقام و منزلت والای او گفت: شهریار نه تنها افتخار ایران بلکه افتخار شرق است. (۱) و در حضور بزرگان شعر و ادبیات آن روز با صدای رسا اعلام کرد: من از وقتی که این کتابچه شعر شهریار را به دست آوردم، هر وقت می‌خواهم شعر بگویم آن را باز می‌کنم و چند غزل از آن را می‌خوانم و طبعم را تشحیض می‌کنم.

در همین ایام استاد فرزانه مرحوم علامه جلال الدین همایی می‌گوید: وقتی استاد شهریار این شعر «جویبار دیده» را منتشر کرد، استادان بزرگ شعر و ادب انگشت حیرت به دندان گرفتند؛ زیرا در آن موقع سن ایشان بسیار کم بود و باور نمی‌شد که این شعر از شهریار جوان باشد.

مرحوم استاد مهرداد اوستا در اشاره به شهرت و منزلت والای شهریار بزرگ می‌گویند: با وجود قبول خاطری که سخن این شاعر بزرگ از نخستین روزگار نوجوانی و جوانیش در میان جامعه عموماً و در جامعه شعر و ادب خصوصاً یافت، تا بدان حد که از برای هواخواهان و شیفتگان سخن اعجاب و در نظر تنگ چشمان و همگنان رشک برانگیز بود و آن آوازه بلند و فراگیر که او را بوده است، در کمتر روزگار و زمانی شاعری را هر چند بزرگ - همانند او - نصیب افتاده است. (۲)

حال جای این پرسش است که گرچه شهریار در عرصه شعر، شاعر بسیار توانمندی است. اما کم نبودند و نیستند شاعرانی که در آشنایی با فنون شعری و در قدرت بیان توضیحات شاعرانه، اگر از استاد شهریار برتر هم نبودند، حداقل در ردیف وی به حساب می‌آمدند اما چگونه شد که در این میان شهریار گوی سبقت از همگنان ربود. او شهره آفاق شد؟

از بررسی عقاید و اندیشه‌ها و نیز اشعار و نوع زندگی این شاعر بزرگ چنین بر می‌آید که آنچه شهریار را از دیگران ممتاز می‌سازد، برخورداری از برخی کمالات و خصوصیات فکری و اعتقادی و اخلاقی است که به

سید صاق سید نژاد

استاد شهریار

شاعر اهل بیت

اعتصامی پرسیدند، با شجاعت و در عین منصفانه می‌گوید: به نظرم پیش از من، پروین اعتصامی است که عفت و عصمت و اخلاقیاتش کامل بود... اخلاقیات و کلامش والا و بالاست... دیوان یک دست کم تر مثل پروین داریم.^(۷)

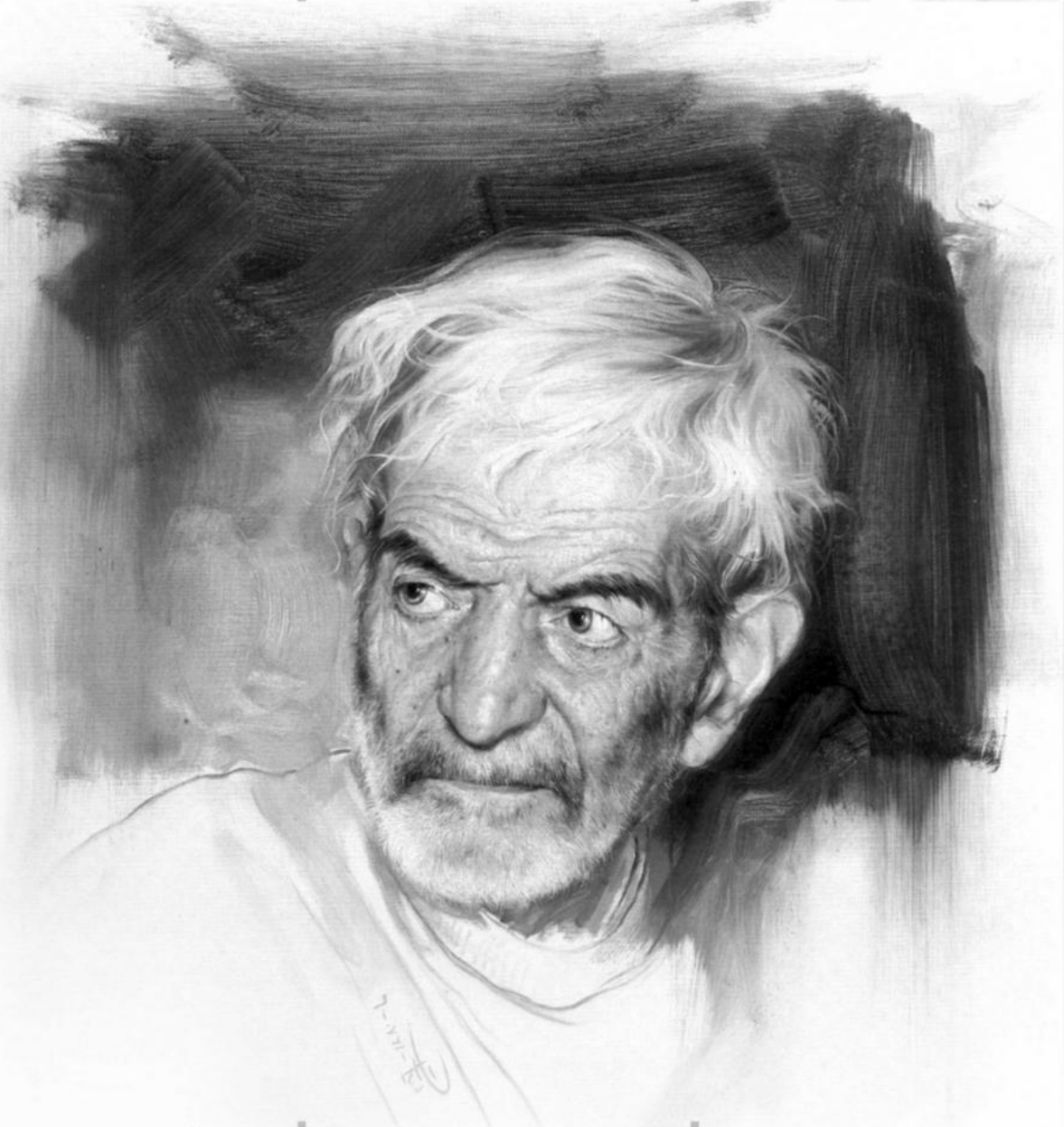
آن‌گاه که درگیری شدید بین اثبات و یا نفی نیما یوشیج در بین طرفداران و مخالفان نیما جریان داشت، در یک اظهار نظر متصفانه می‌گوید: نیما شاعر خوبی بود...

بعد از آن که کلکش را کردند، آن وقت او را قائد مخربین کردند... اعتقادات نیما خوب بود. منتها به عرفان نرسید در همان افسانه می‌بینید خدا با همه چیز هست...^(۸)

۳- حق خواهی و حق کرای

از بررسی وقایع زندگی و مضمون اشعار و موضع‌گیری‌های فکری و اعتقادی استاد شهریار، به خوبی معلوم می‌شود که وی در طول عمر با برکت خویش هم چون سالکی مشتاق و خستگی‌ناپذیر در لحظه

یدرم خیلی پاکیزه و خوش قلب بوده. یک دفعه پنج بت را از من گرفتند... پانزده سال عشق سوزانی داشتیم... یکی دیگر مثلاً موسیقی بود وقتی که سه تار می‌زدم اشک صبا می‌ریخت... دیگر این که صوفی شده بود. گیر درویش‌ها افتاده بودم آن موقع که اسلامی در بین نبود. باز درویشی یک چیز غنیمتی بود... اما حالا، حالا که اسلام آمده است. به هیچ اسمی آدم نمی‌تواند خرجش را از امت اسلام جدا کند... من هم این پنج بت را



سبکش یک سبک ترکستانی بود. قصاید خوب داشت... افسانه‌اش یک شاهکار است. من خیلی تحت تأثیرش واقع شدم. دو شعر «مرغ بهشتی»، «هذیان دل من» تحت تأثیر او ست. اما مجبورش کردند. به نظرم سال ۳۴ بود، اینجا گریه کرد و گفت: تو باز تیریزی داشتی در رفتی من کجا می‌توانستم بروم. گفتم نیما جان آخر تو که «افسانه» داری، تو که قصائد داری این‌ها چیست که تو می‌نویسی؟ آن وقت گریه کرد و گفت: مجبورم کردند

لحظه‌های زندگی و مصرع به مصرع اشعار خویش، به دنبال حقیقت است.

در نهایت آرامش و اطمینان خاطر خویش را در مکتب اهل بیت و یا کناره‌گیری از مکاتب مختلف می‌یابد و با تمام وجود شعر خود را در راه ترویج فرهنگ اهل بیت و حاکمیت بخشیدن به ارزش‌های اصیل اسلامی به کار می‌گیرد. وی خود در این باره می‌گوید: من یک بار سخت دل شکسته شدم. اصل من هم پاک بود؛ چون

شکستم...^(۹)

در یک کلام، این عاشق حقیقت پس از پی بردن به ماهیت مدعیان دروغین حقیقت، چه در عرصه تفکر و اندیشه و چه در عرصه‌های سیاسی به ویژه پس از شهریور ۱۳۲۰ که به تعبیر خود استاد در این ایام حق حیات نداشتیم!... کم کم همان گونه خود گفته است، از همه راه‌ها

و مکتب‌ها و شیوه گذشته زندگی توبه می‌کند و این بار

رحل اقامت در آستان اهل بیت می‌اندازد. شعر زیبای «علی ای همای رحمت» ره آورد این انقلاب فکری و معنوی استاد است. این شعر به دنبال اشعار بسیار زیبای ولایتی استاد نظیر کاروان دل، علی و شب، یا علی و... ده‌ها شعر خوب دیگر صفحات دیوان‌های شعری او را زینت می‌بخشد.

پایان بخش این بحث را، به خاطره خواب بسیار زیبای آیت الله العظمی نجفی مرعشی درباره شعر «علی ای همای رحمت» زینت می‌بخشیم. حضرت آیت الله نجفی مرعشی می‌گویند: شبی توسل پیدا کردم با یکی از اولیای الهی را در خواب ببینم، آن شب در عالم خوب دیدم در یکی از زاویه‌های مسجد کوفه نشسته‌ام. امیر مؤمنان حضرت علی (علیه السلام) با جمعی حضور دارند. ناگهان آن حضرت فرمودند: شعرای اهل بیت ما را بیاورید. دیدم چند نفر از شعرای عرب را آوردند. حضرت فرمودند: شعرای فارسی زبان را بیاورید. آن گاه محتشم کاشانی و چند تن از شعرای فارسی زبان آمدند... سپس حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: شهریار را بیاورید. شهریار آمد. حضرت به ایشان فرمود: شعرت را بخوان شهریار این شعر را خواند: علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا... که به ما سوا فکندی همه سایه خدا را... وقتی شعر شهریار تمام شد؛ چون من شهریار را ندیده بودم. فردای آن روز از اطرافیان پرسیدم که شهریار شاعر کیست؟ گفتند: شاعری است که در تبریز زندگی می‌کند. آیت الله مرعشی می‌فرمایند: او را از جانب من به قم دعوت کنید تا او را ببینم. چند روز بعد وقتی شهریار به قم می‌آید. آیت الله نجفی می‌بینند او همان کسی است که در خواب دیده‌اند، بعد آیت الله مرعشی از شهریار می‌پرسند: شعر «علی ای همای رحمت» را کی ساخته‌ای؟ شهریار با حالت تعجب جواب می‌دهد شما از کجا خبر دارید که من این شعر را ساخته‌ام؛ چون من این شعر را نه به کسی داده‌ام نه درباره آن با کسی سخن گفته‌ام. بعد آیت الله مرعشی جریان خوابشان را توضیح می‌دهند... شهریار بسیار متقلب می‌شود. بعد وقتی تاریخ سرودن شعر را می‌گوید، معلوم می‌شود در همان شبی که شهریار این شعر را سروده است، آیت الله نجفی مرعشی نیز در خواب آن واقعه را می‌بینند.^(۱۰) بارها استاد شهریار خود می‌فرمودند: این غزل مربوط به دوران نائب شدنم است.^(۱۱)

۴ - مردم دوستی و همراهی با آنان

شهریار از جمله شاعرانی بود که همیشه با مردم بود، با غم و رنج آنان غمگین و با شادی و نشاط آنان شاد می‌شد. با هوش و زکاوت خاصی که داشت، در تمام پیش آمدها با توده‌های مردم بود. با سرودن اشعار زیبا و نغز، ضمن ابراز علاقه به مردم، یاد و نایدها و خطرهای موجود بر سر راه را به آنان گوشزد می‌کند و با دشمنان مردم و فرهنگ و عقاد آنان به مبارزه برمی‌خیزد. یک روز با سرودن «حیدر بابایه سلام» پرده از روی فریبکاری شیطان بر می‌دارد و با افشای جنایات او نسبت به دل دادگی به ندای تمدن دروغین هشدار می‌دهد و بدبختی مردم مستضعف جهان را در نتیجه دچار شدن به وسواس شیطان رجیم یا پیروی از مطامع جهان خواران گمراه و گرسنه چشم می‌داند و راه صحیح رهایی از گرفتاری‌های را، که همانا تبعیت از احکام

حیات بخش اسلام است، گوش زد می‌کند.

روزی به جهت سرودن اشعار حماسی و انتقادی علیه رژیم طاغوت و سیاست‌های استعماری، او را به انزوا می‌کشاند. به قول خود ایشان حق حیات را از او می‌گیرند و از مطرح شدن او و شعرش جلوگیری می‌کنند و چاپ دیوان او را چهار سال بدون دلیل به تأخیر می‌اندازند و حق دخالت در امور سیاسی و... به او نمی‌دهند، چرا که شهریار نه تنها با برنامه غلط و سیاست نادرست نظام همراهی نداشت، بلکه گاهی با سرودن زیباترین اشعار عملکردها و جهت‌گیری‌های فرهنگی و سیاسی طاغوت را به بهترین وجه مورد انتقاد قرار می‌داد. شعر زیبای «سهندیه» و «الا تهرانیا انصاف می‌کن» از جمله آنهاست. آن گاه که اوج قدرت طاغوت بود، هر گونه محرومیت و حتی ناجوانمردانه لجن مال شدن ظاهری را تحمل کرد، ولی حاضر نگشت که با اهداف و سیاست‌های او همکاری و همراهی داشته باشد.

اما آن گاه که مردم مؤمن و متعهد ایران از سیاست‌ها استعماری و ضد دینی رژیم طاغوت به تنگ آمدند و نهضت اسلامی را آغاز کرد، شهریار در همه عرصه‌ها با مردم بود و با سرودن شعرهای زیبا ضمن افشای جنایات رژیم، مردم را به هر چه بیشتر مقاومت و مبارزه فرا می‌خواند. آن گاه انقلاب شکوهمند اسلامی پیروز شد، همیشه با روشنگری‌های خود حفظ دست آوردهای انقلاب و عدم غفلت از توطئه‌های دشمن را گوشزد می‌کرد و حتی به خاطر همراهی با انقلاب و مردم ناجوانمردانه‌ترین مہنت‌ها را به جان خرید. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: او در همه مواقع حساس انقلاب، نقش مؤثری را ایفا کرد... جنگ تحمیلی یکی از سخت‌ترین تجربه‌های ما بعد از پیروزی انقلاب بود. تعداد شعرهایی که شهریار برای جنگ گفته... به قدری زیاد است که اگر انسان نمی‌دید و نمی‌شنید، به دشواری می‌توانست آن را باور کند. از مردی که حدود هشتاد سال سن و بلکه بیش از هشتاد سال شگفت‌انگیز است که در مجامع شعری حضور پیدا کند و برای هر مراسمی شعرهایی بگوید. در حالی که، از مثل او چنین توقعی هم نبود. این نشان دهنده نهایت اخلاص و صفا و بزرگواری این مرد بود. به هر حال، شهریار یک شاعر اسلامی و انقلابی بود. در همان اوقاتی که شهریار برای انقلاب شعر می‌سرود، خبر داشتیم عده‌ای از روشنفکران وابسته به رژیم گذشته که با شهریار سابقه دوستی داشتند، مرتب به او فشار می‌آوردند و برایش نامه می‌نوشتند و در هجوش شعر می‌گفتند و حتی او را ملامت می‌کردند که تو چرا برای انقلاب اسلامی این چنین دل می‌سوزانی؟! ولی او مثل کوه ایستاده بود...^(۱۲)

به هر حال، چون استاد شهریار در سرد و گرم حوادث همیشه با مردم بود، لذا شعر او درد زبان‌ها شده بود. به خلاف نظر عده‌ای که او را شاعری خود ساخته جدای از مردم معرفی می‌کنند، به شهادت اشعارش وی همیشه با مردم بود. مضمون شعرهایش با فرهنگ و با ادب و عقاید و ارزش‌های مردم عجین شده بود و اگر غیر از این بود، هرگز محبوب دل توده‌های مردم حتی در دور دست‌ترین نقاط کشور واقع نمی‌شد.

ناشناخته‌ترین شاعر معاصر

گرچه شهریار یک عمر به با قلم و بیان خود به فرهنگ اسلامی و ادبیات فارسی خدمت کرد و شعرش نه تنها سرتاسر ایران اسلامی، بلکه بسیاری از کشورهای منطقه را فراگرفته با این همه باز این تعبیر در حق ایشان تعبیر درستی است که او ناشناخته‌ترین شاعر معاصر ایران است. استاد مهرداد اوستا می‌نویسد: بی تردید در میان سخن وران روزگار از طلوع شعر دری، که با سلطان شاعران رودکی سمرقندی آغاز می‌شود، تاکنون کم تر شاعری به روزگار خویش به نام و آوازه‌ای همچون شهریار دست یافته است... شهریار با این که آوازه و نامی استثنایی بهره‌ور است یکی از ناشناخته‌ترین شاعران معاصر پارسی است...^(۱۳)

بی تردید اگر روزی زمینه‌ای فراهم شود که کنکاش در آثار به جای مانده از استاد شهریار در دستور کار محققان و پژوهشگران فرهنگ و ادبیات قرار گیرد، از این رهگذر ره توشه‌های گران قدری عاید علاقمندان خواهد شد.

لحظه رحلت

استاد سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار در سال ۱۳۵۸ در تبریز چشم به جهان گشود و در روز شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۶۷، پس از حدود هشتاد سال عمر پر برکت به سرای جاودان شافت. در آخرین روزهای عمر خود به اطرافیانش گفت: بیش از هشتاد سال زندگی کرده‌ام. آثاری و اولادی دارم که آنها باقیات صالحات من هستند... تمایل من چنین است که بعد از مرگم، اگر در تهران خواستند مدفون سازند مرا در جوار مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم به خاک بسپارند و اگر در موطنم آذربایجان خواستند دفنم کنند یا در دامن کوه «حیدر بابا»، که آن قدر آن را دوست داشتم یا در مقبره الشعرای تبریز در «شرخاب» مدفونم سازند... استاد شهریار در آخرین لحظه‌های حیات در حالی که این ابیات از شعر «یا علی» را زیر لب زمزمه می‌کردند جان به جان آفرین سپردند.

ای جلوه جلال و جمال خدا علی
در هر چه جز خدا به جلالت جدا علی
در تو جمالی از ابدیت نموده‌اند
ای آگینه ابدیت نما علی
ای مظهر جمال و جلال خدا علی
یا مظهر العجایب و یا مرتضی علی
از شهریار پیر زمین گیر دست گیر
ای دست گیر مردم بی دست و پا علی (علیه السلام)

پی‌نوشت‌ها

۱. از دیباجه بهار «پیر صدای خدا».
۲. یادنامه استاد مهرداد اوستا، صص ۲۹۷، ۲۹۸.
۳. کیهان فرهنگی، ش ۲، ص ۶.
۴. شهریار از نگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای، ص ۲۰.
۵. کیهان فرهنگی، ش ۲، ص ۱۲.
۶. از بهار تا بهار ج ۲، ص ۲۵۸ به بعد از صحبت‌های شهرداد بهجت تبریزی دختر استاد شهریار.
۷. کیهان فرهنگی، ش ۲، ص ۷.
۸. کیهان فرهنگی، ش ۲، ص ۸.
۹. کیهان فرهنگی، ش ۲، ص ۹.
۱۰. زندگی شهریار، ص ۳۰۳ به بعد.
۱۱. کیهان فرهنگی، ش ۲، ص ۹.
۱۲. شهریار از نگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۲۱.
۱۳. کیهان فرهنگی، ش ۲، ص ۱۲.

